

**A study of the jurisprudential-legal aspects of the rights contained in the Convention on
Civil and Political Rights**

Abstract:

As we know, one of the important discussions in the field of substantive and formal law is to examine the dimensions of these rights in the conventions and the law in question. Its social justice is so important that it is at the forefront of basic human rights in all countries. In the Iranian legal system, which is derived from the sacred jurisprudential system, the study of formal and substantive rights has received more and more attention by the legislator, although the constitution has many strong principles in this area. The source of social justice and freedom in Iranian law is mostly human rights documents and in almost all human rights documents, primary and secondary rights have been examined. An important challenge that we have encountered in this study is that although the theory of social justice has been studied theoretically in the relevant laws, but in some cases it is in conflict with the Iranian constitution, which we will address in this dissertation.

Keywords: law, justice, freedom, individual rights, social rights

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره
چهارم (پیاپی ۱۶) زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۶۰۶-۱۵۹۷
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.295665.2005>

بررسی ابعاد فقهی-حقوقی حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی

حسن حسن زاده^۱

علی میر ابراهیمی^۲

علی چهکندی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۴

چکیده

همان‌طور که می‌دانیم یکی از بحث‌های مهم در قسمت حقوق ماهوی و شکلی بررسی ابعاد این حقوق در کنوانسیون‌ها و حقوق موضوعه است. عدالت اجتماعی آن چنان مهم بوده که در همه کشورها در راس حقوق اولیه انسان‌ها به شمار می‌رود. در نظام حقوقی ایران که برگرفته از نظام مقدس فقهی می‌باشد بررسی حقوق شکلی و ماهوی اساسی بیش از پیش مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت هر چند که قانون اساسی نیز در این قسمت دارای اصول محکم و زیادی می‌باشد. منشا عدالت اجتماعی و آزادی در حقوق ایران بیش‌تر اسناد حقوق بشری بوده و تقریباً در تمامی اسناد حقوق بشری حقوق اولیه و ثانویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. چالش مهمی که در این پژوهش بدان برخورد نموده ایم آن است که هر چند از نظری تئوری عدالت اجتماعی در قوانین موضوعه بررسی شده است اما در مواردی با قانون اساسی ایران در تعارض است که در این پایان‌نامه بدان خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: حقوق، عدالت، آزادی، حقوق فردی، حقوق اجتماعی

^۱ دانشجوی دکترا، گروه فقه مبانی حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، خراسان جنوبی، ایرا

hasan.hasanzadeh2021@gmail.com

^۲ استادیار، گروه فقه مبانی حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

mirebali@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه فقه مبانی حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، خراسان جنوبی، ایران

Chahkandi@iaubir.ac.ir

۱- حقوق پیش بینی شده در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و حقوق ایران و فقه در این قسمت لازم به بررسی حق های مبین عدالت توزیعی در تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

۱-۱- حقوق اقتصادی

در ابتدا به بررسی حقوق اقتصادی خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- حق اشتغال و کسب

اصولاً، کار، جوهره انسان است و هر شخص یکه قدرت کار کردن را پیدا می کند، باید قادر باشد در شغلی که مایل است و صلاحیت آن را دارد، اشتغال ورزد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸)

به همین سبب می باشد که در اصل ۲۸ آمده:

«دولت، وظیفه دارد با رعایت نیاز جامعه به مشاغل مختلف برای تمام افراد، امکان شرایط مساوی و اشتغال به کار را برای احراز مشاغل ایجاب نماید.»

بدین ترتیب، در جامعه ای که قسط و عدل در آن حاکم باشد، باید هر کسی به میزان توانایی خود قادر باشد در شغلی مناسب شأن، مشغول شود و اصولاً بیکار ماندن و نبودن فرصت های کاری، بر خلاف اصل یاد شده می باشد.

۱-۱-۲- حق مالکیت

مالکیت، از بدیهی ترین حقوق انسان یاست؛ چنانکه حتی کودکی نیز آن را حس کرده و خویشتن را مالک اشیای خود می داند. (کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۳۱)

از آنجایی که دین مبین اسلام، مالکیت مشروع را محترم شمرده است در اصل چهل و ششم نیز ذکر گردیده که «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» و طبق اصل چهل و هفتم، «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است و ضوابط آن را قانون معین می کند.»

البته ضوابط و قیودی برای رعایت بهتر این قواعد وجود دارد که در قوانین عادی پیش بینی شده و با رأی ملت، قابل اجرا خواهد بود.

۱-۱-۳- حق مسکن

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ابعاد مختلف حق مسکن توجه کرده است. اصل چهل و سوم قانون اساسی، در بند ۱ با اشاره به مبنای این حق و وظیفه دولت، تأمین نیازهای اساسی از جمله مسکن را برای تأمین استقلال اقتصادی، ریشه کن کردن فقر و محرومیت، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد و حفظ آزادی او لازم می داند.^۱

^۱. نکته قابل توجه در این دو اصل قانون اساسی این است که در تأمین مسکن باید به عوامل فرهنگی نیز توجه کرد. به خصوص اینکه ذیل اصل چهل و سوم به عبارت «در جریان رشد و حفظ آزادی او» اشاره شده است. وجود این امر مستلزم این است که دولت برای مدیریت مسکن پیوست فرهنگی آن را فراهم کند.

توجه ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مسأله مسکن و شناسایی آن به عنوان یک حق (اصل ۳۱) و پیش بینی مصونیت برای آن؛ در کنار مواردی مانند حیثیت، جان، مال، حقوق و شغل نیز؛ نشانگر اهمیت راهبردی و ارزش بنیادین حق بر مسکن است.

مسکن، در هر یک از شاخه های علوم انسانی و رشته های حقوق، به نوعی، مورد توجه بوده است:

- حقوق مدنی: تحت عناوینی چون؛ قراردادهای اجاره، مالکیت، حمایت از مسکن خانوادگی.

- حقوق کیفری: تحت عناوینی چون؛ جنحه تصرف غیرقانونی مسکن خالی دیگری.^۱

- حقوق کار: مثلاً هنگامی که مزدبگیران با توجه به ماهیت کار خود می توانند از کارفرما مسکن و یا کمک هزینه مسکن مطالبه کنند.

- حقوق اداری: نظیر مساعدت مالی دولت برای مسکن های اجاره ای.

- حقوق اساسی: مانند تصمیم های مختلف دادرسی اساسی و تعیین اعتبار حق بر مسکن.

البته امروزه، در کشورهای توسعه یافته رشته مستقلی تحت عنوان « حقوق اجتماعی » تأسیس شده که به صورت تخصصی به این مباحث و روابط اجتماعی می پردازد. از این منظر، حقوق اجتماعی، یکی از شاخه های دانش حقوق است که همزمان از حقوق عمومی و حقوق خصوصی تغذیه می کند.

به هر جهت، توجه شاخه های مختلف حقوق به مسأله مسکن، نشان می دهد حق بر مسکن، یک حق ترکیبی است. اشاره به مسکن در این رشته ها، اغلب با هدف حمایت از منافع اشخاص ذی نفع یا بالقوه صورت می گیرد. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۲۷)

دیدگاه حقوق اساسی و حقوق بشر، حق مسکن، یک حق رفاهی و اجتماعی^۲ می باشد. در حال حاضر حق های رفاهی - اجتماعی از اهمیت شایانی برخوردار شده اند. در این معنا، ممکن است فرد به تنهایی قادر به تأمین برخی نیازهای خود، مانند مسکن نباشد و لازم باشد تا جامعه، به یاری او بشتابد. (گرچی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

دیگر ویژگی حقوق اجتماعی، فاصله گرفتن آن با اندیشه سنتی موجود در حقوق خصوصی، یعنی؛ برابر خواندن اراده های فردی است. در عالم واقع، می دانیم که ممکن است برابری اراده ها در عرصه های گوناگون زندگی، مانند انعقاد قراردادها یا در مناسبات دولت و شهروند، به هم بخورد. در این جا، حقوق عمومی و حقوق اجتماعی وارد میدان شده و برای تصحیح نابرابری ها از راه های گوناگون؛ از جمله، روا دانستن تبعیض عادلانه (مثبت) تلاش می کنند. از همین زاویه است که حقوق اجتماعی با اندیشه های / ارتودوکسی لیبرالیسم و سرمایه داری مبتنی بر فردگرایی فاصله می گیرد. در این نظام فکری، هر فردی باید به تنهایی، بار خویش را به سرمنزل برساند؛ در حالی که در اندیشه های جدیدتر و در اندیشه اسلامی مفاهیم بزرگی، چون تعاون و برادری، انسان ها را به سمت نوعی همبستگی خانوادگی و اجتماعی، سوق می دهد. در این اندیشه ها که از نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی تحت عنوان حقوق بشر نسل دوم مطرح شد بر حمایت های اجتماعی از فرد منزوی تأکید می شود.

برآوردن حق های اجتماعی، پیش شرط مردم سالاری اجتماعی است. مردم سالاری اجتماعی، بر تأمین رفاه اجتماعی، ایجاد دولت رفاهی و توزیع ثروت در جامعه، تأکید می کند. گرچه، مردم سالاری، بدون تضمین

^۱ Le delite de squat.

^۲ مانند؛ حق اشتغال بیمه بیکاری، مستمندان، معلولین.

نظری و عملی حق‌ها و آزادی‌های سیاسی - فردی تحقق‌پذیر نیست؛ اما، بهره‌مندی از حق‌های سیاسی - فردی، در فقدان برخورداری از حق‌های اجتماعی - اقتصادی، دشوار به نظر می‌رسد. (غمامی، ۱۳۹۶: ۹۴)

بدین معنا، برخورداری از حق‌های اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، از لوازم پایداری جوامع مردم‌سالار معاصر است، یعنی؛ حمایت از این حق‌ها برای تضمین و تداوم اصل مردم‌سالاری ضروری شمرده می‌شود. با این رویکرد، شاید بتوان گفت؛ حمایت از حق‌های اجتماعی، برای برقراری تعادل تعادل میان آزادی و قدرت، عنصری ضروری است.

در میان آزادی‌های اقتصادی، حق آزادی تملک و تصرف (مالکیت) از سایر آزادی‌ها، مهم‌تر می‌نماید؛ و از همین رو، مورد توجه و تأملات بیشتر و جدی‌تری قرار گرفته است. در کنار آزادی‌های اقتصادی، برآوردن حق‌های اجتماعی نیز، برای نیل به خوشبختی و رفاه عمومی ضروری به نظر می‌رسد؛ اما، واقعیت این است که برقراری آشتی و سازگاری بین این حق‌ها، در بسیاری از موارد، دشوار است. دفاع از امنیت مالکیت، و تضمین کامل حقوق قانونی مالکان بر مسکن خود (حق بر مسکن مالکان)، همیشه با تضمین حق بر مسکن مستأجرین سازگار نیست. تضمین امنیت بازار اجاره، در بسیاری موارد، با تضمین امنیت مالکیت، تزاخم پیدا می‌کند و از چالش‌هایی که در زمینه حق بر مسکن، باید راهکاری برای برون رفت از آن، جست و جو کرد؛ همین مسأله است.

نظام حقوقی ایران، چه در اسناد بالادستی، و چه در قوانین و مقررات عادی، توجه ویژه‌ای به حق بر مسکن، داشته است. یک از زیباترین و کاربردی‌ترین اصول قانون اساسی، اصل ۲۲ این قانون است که به مصونیت اشخاص، در وجوه گوناگون آن، اشاره می‌کند: مصونیت حیثیتی، مصونیت جانی، مصونیت مالی، مصونیت حقی، مصونیت شغلی و مصونیت مسکن. حق بر مسکن از منظر اصل ۲۲ نوعی «حق - مصونیت» است. در این معنا، مسکن هر فردی محترم بوده، و قابل تعرض، توسط دیگران نیست؛ البته، استثنائاتی را که با حکم قضایی بر آن وارد می‌شود، نباید فراموش کرد. گرچه، مفهوم «مصونیت مسکن»، در وهله نخست، گونه‌ای «مصونیت پسینی» را به ذهن متبادر می‌سازد و بیشتر به مرحله پس از برخورداری از مسکن اشاره دارد، اما با کمی مسامحه، انسان‌های فاقد مسکن اولیه، یا افراد فاقد مسکن شایسته را هم، می‌توان از مصادیق نامنی مرتبط با مسکن در نظر گرفت. (شیروانی، ۱۳۸۸: ۹۴)

اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشخصاً به مسأله مسکن، اختصاص یافته است:

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانوار ایرانی می‌باشد. دولت وظیفه دارد با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندتر هستند؛ اللخصوص کارگران و روستایی‌ها، زمینه اجرای این اصل را، فراهم نمایند.»

مطابق این اصل؛ اولاً، قانون‌گذار اساسی، داشتن مسکن را نه فقط از نیازهای اولیه، بلکه از حق‌های بنیادین، و قابل حمایت هر شهروند ایرانی دانسته است. ثانیاً، دولت مکلف به اجرای این حق شده است. با این تحلیل، عدم تعبیه مسکن شایسته برای اشخاص را می‌توان نقض صریح اصول قانون اساسی و بی‌توجهی به یکی از حق‌های بنیادی و اساسی فرد انسانی دانست.

پرسش این است که چه ضمانت اجرایی برای حق بنیادین مسکن وجود دارد؟ با توجه به اینکه تعهد دولت‌ها در زمینه حق - طلب‌ها، و حق‌های رفاهیه، تعهد به وسیله است؛ چگونه و در چه قلمروی می‌توان دولت را به اجرای این اصل، واداشت؟ آیا شهروندان ایرانی می‌توانند برای به دست آوردن مسکن شایسته، یا مسکن مورد نیاز خود، به دادگاه‌ها رجوع کرده، و احقاق حق نمایند؟ دادگاه صالح، در این زمینه کدام است؛ محاکم عمومی یا دیوان عدالت اداری؟ آیا می‌توان با اشخاص حقیقی یا حقوقی که مانع اجرای اصل ۳۱ می‌شوند، برخورد کرد؟ اگر آری؛ چگونه و از چه طریقی؟ تکلیف اخلال‌گران در دستیابی به «مسکن متناسب»

چیست و آن‌ها را بر اساس چه ضابطه و معیاری می‌توان شناسایی کرد؟ تدابیر و اقدامات دولت‌های پیشین و حال، در این زمینه، چه بوده است؟ آیا اقدامات دولت مردان و قامون‌گذاران در زمینه مسکن متناسب، در راستای منافع عمومی و اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی بوده، یا منفعت‌های خصوصی و گروهی از اولویت برخوردار بوده است؟ واکنش شورای نگهبان، به عنوان دادرس اساسی و حافظ قانون اساسی، در حفاظت از این اصل راهبردی قانون اساسی چه بوده است؟

با توجه به تصریح بند یک از اصل ۴۳ قانون اساسی، مبنی بر اینکه اقتصاد کشور باید بر اساس تأمین نیازهای اساسی، مانند: «مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» تنظیم گردد؛ آیا نظارت جامعی در این زمینه‌ها اعمال می‌شود؟ آیا لازم نیست؛ مؤسسات و نهادهایی در کشور تشکیل شود تا به پایش و ارزیابی مستمر و نظام‌مند میزان و چگونگی تحقق حق‌های اولیه، مانند حق مسکن اقدام نمایند؟

نمی‌توان از یاد برد که طبق اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین نیازهای اولیه شهروندان هر جامعه، شرط ضروری برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی اوست.

در زمینه تضمین حق بر مسکن، باید به موارد دیگری چون توانمند ساختن تمام اقشار برای دسترسی به سرپناه مناسب^۱ انطباق با استطاعت مالی نیازمندان، قابلیت دسترسی برای آسیب‌دیدگان و محرومین، تأمین امنیت حقوقی برای مالکیت زمین، حفاظت از محیط زیست سالم، پاسخ به نیازهای فرهنگی نیازمندان، تضمین تلاش و همکاری برای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصاد کلامن و تأمین سرپناه، به عنوان یک اولویت اجتماعی، و مبارزه با پدیده ویران‌سازی طبیعت، به ویژه جنگل‌ها و دریاها، توجه نمود. (فلاح زاده، ۱۳۹۶: ۵۹)

در جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی نیز، مستقیم و غیرمستقیم، به مسأله مسکن توجه نموده‌اند: سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران عبارت و تصرف عدوانی در برگیرنده مفاهیم و آرمان‌های بسیار بلند و فاخری است که البته، بسیاری از آن‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی به ویژه در مقدمه آن مستور است. این سند مستقیماً و به صراحت، به مقوله مسکن نمی‌پردازد؛ اما، مفاهیم زیبا و دقیقی را به کار می‌گیرد که بدون توجه به حق‌های اجتماعی و عدالت در مسکن، رسیدن به آن‌ها محال است. «در چشم‌انداز بیست ساله، جامعه ایرانی؛ با اتکال به قدرت لایزال الهی، و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی، و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، باید از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

توسعه یافته، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، امن، مستقل و مقتدر، برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر و فساد و تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست سالم، فعال، مسئولیت‌پذیر، اینترگر، مؤمن، رضایت‌مند،

^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به این مسأله اشاره نکرده؛ اما، جهت‌گیری کلی این قانون، در راستای توانمندسازی اقشار گوناگون، به ویژه مستضعفین، برای دسترسی به سرپناه است.

برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران، و مفتخر به ایرانی بودن.»

سیاست های کلی نظام در بخش مسکن (مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۲۹)، موضوعات بسیار خوبی را پیش بینی کرده که توجه عملی به آن ها می تواند زمینه تضمین حق بر مسکن، را فراهم آورد:

۱- مدیریت زمین، برای تأمین مسکن و توسعه شهر و روستا، در چارچوب استعداد ارضی و سیاست ها و ضوابط شهرسازی و طرح توسعه عمران کشور و ایجاد و توسعه شهرهای جدید.

۲- احیای بافت های فرسوده شهری و روستایی، از طریق روش های کارآمد.

۳- برنامه ریزی دولت، در جهت تأمین مسکن گروه های کم درآمد و نیازمند و حمایت از ایجاد و تقویت مؤسسات خیریه و ابتکارهای مردمی برای تأمین مسکن اقشار محروم.

۴- برنامه ریزی جامع برای بهبود وضعیت مسکن روستایی، با اولویت مناطق آسیب پذیر از سوانح طبیعی و متناسب با ویژگی های بومی.

۵- ایجاد و اصلاح نظام مالیات ها و ایجاد بانک اطلاعاتی زمین و مسکن.

۶- حمایت از تولید حرفه ای، انبوه و صنعتی مسکن.

۷- اجباری کردن استانداردهای ساخت و ساز مقررات ملی ساختمان و طرح های صرفه جویی انرژی.

۸- رعایت ارزش های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در معماری مسکن.

۹- تقویت پژوهش و ارتقای سطح دانش علمی، در حوزه مسکن. (غمامی، ۱۳۹۶: ۹۴)

بند (د) ماده ۳۹ قانون برنامه پنجم، به منظور توانمندسازی افراد و گروه های نیازمند تحت پوشش سازمان های حمایتی، به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند؛ آن ها را از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه های انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز برای کلیه واحدهای مسکونی اختصاص یافته به آن ها، فقط برای یک بار، معاف کرده است.

۱-۱-۴- حقوق اقتصادی مبین عدالت توزیعی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی

هیچ انسانی به صرف انسان بودن از جهت رنگ و نژاد بر انسان دیگر برتری ندارد و به خاطر رنگ یا نژاد یا ملیت نمی تواند ادعای شغل بهتر و برتر یا دستمزد بیشتر کند. کیانی ادامه می دهد: تساوی بین همه انسان ها در خصوص شغل و اجرت در اسلام پذیرفته شده است مگر این که شرایط سخت تری برای کار یک نفر باشد که برای دیگری نباشد. در این صورت تفاوت شرایط کار موجب تفاوت دستمزدها می شود و این تفاوت غیر از تبعیض است. (کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۹)

اعلامیه جهانی حقوق بشر چیز تازه ای نسبت به معارف فقهی اسلام مطرح نکرده است، بلکه اصل تساوی، قرن ها پیش در اسلام پذیرفته شده بود عمل کارگر محترم است و کار مساوی در شرایط یکسان دستمزد یکسان دارد و از ارزش هیچ کارگری به خاطر رنگش یا دینش کم نمی کنند بلکه به اندازه ارزش اقتصادی کار به کارگر دستمزد و عوض پرداخت می شود.

۱-۱-۴- حقوق اقتصادی

حقوق اقتصادی از جمله حقوق مهم پیش بینی شده در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی هم چنین حقوق ایران و فقه است. حق کارکردن در شرایط عادلانه و مناسب یکی از حقوقی است که این اعلامیه می کوشد از آن حمایت کرده و آن را تضمین کند.

در ماده ۶ این میثاق آمده است: کشورهای طرف این میثاق حق کارکردن را که شامل حق هرکس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می کند، معاش خود را تأمین کند، به رسمیت

می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت. در ادامه ماده ۶ این میثاق گفته شده است: اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد، باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی - اجتماعی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ کند. (محمد پور، ۱۳۸۴: ۹۷)

۲-۱- حقوق اجتماعی

۲-۱-۱- حقوق اجتماعی پیش بینی شده در فقه و حقوق ایران

مطابق کنوانسیون، حقوق اجتماعی ضروری‌ترین نیاز انسان است و بدون آن، زندگی دشوار و یا ناممکن خواهد بود. (دلآوری، ۱۳۸۹: ۳۷)

با دقت در این اصل، نیز به دست می‌آید که حق برخورداری از حقوق اجتماعی متناسب، خاصاً شهروندان است؛ ولی این امر منافات با این ندارد که دولت، در صورت امکان، به رفع نیازمندی‌ها هم پردازد.

۲-۱-۲- حقوق اجتماعی پیش بینی شده در کنوانسیون

حقوق اجتماعی، مانند حق آموزش، حق مسکن، حق استاندارد زندگی کافی، حق بر سلامتی و حق علم و فرهنگ هستند. حقوق اجتماعی در میثاق‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و تحت حفاظت قرار دارند. دولت‌های عضو الزامی قانونی برای احترام گذاشتن، حفاظت و به جا آوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند و از آنان انتظار می‌رود به منظور رعایت آنها «اقدام متری» انجام دهند. اعلامیه جهانی حقوق بشر شماری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد، و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منبع اصلی قانونی بین‌المللی حقوق، اجتماعی است. بسیاری از حقوق اجتماعی به رسمیت شناخته شده در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برخی از مواد کنوانسیون‌های حقوق بشری مانند: پیمان‌نامه حقوق کودک - کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی - کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه اشخاص دارای ناتوانی به تفضیل توضیح داده شده است. (ملکی، ۱۳۹۵: ۴۹)

حق‌های اجتماعی حق‌هایی هستند که دولت‌ها برای تحقق آنها صرفاً متعهد به وسیله می‌باشند و نه نتیجه. عموم حق‌های اجتماعی جزء حقوق موضوعه محسوب می‌شوند

۳- حق‌های مبین عدالت در فقه و حقوق ایران

در این قسمت به بررسی حقوق مبین عدالت توزیعی در منشور حقوق شهروندی خواهیم پرداخت.

۳-۱- حقوق اقتصادی

در این قسمت به بررسی حقوق اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- حق اشتغال

اگرچه حق اشتغال حق تمامی شهروندان محسوب می‌شود، اما گاه جامعه در تهیه شغل برای همه آنها ناتوان می‌ماند. در چنین شرایطی باید سازوکاری فراهم شود که حق آنها ضایع نشود.

چنانچه عده‌ای در اثر سانحه یا آفت اقتصادی بیکار شدند، بیمه بیکاری باید آنها را در تامین کامل قرار دهد تا شرافت انسانی آنها حفظ شود و در فرصت مقتضی به سر کارشان بازگردند. به عبارتی دولت باید متکفل کسانی باشد که در حوزه قلمروی حاکمیت آنها توان کار و یا شغل مناسب ندارند به گونه‌ای که نه تنها بر دولت بلکه بر آحاد مسلمانان واجب کفایی است تا از کسانی که به هیچوجه قادر به تمثیت امور خود نیستند دستگیری کنند. با توجه به آنچه کارشناسان در گفت‌وگو با «حمایت» مورد تاکید قرار دادند، هر کدام از ما در کشور ایران حق داریم که شغلی داشته باشیم و دولت باید برای تامین این حق تلاش کند. افراد با استعدادها و علاقه‌های مختلف، باید بتوانند مطابق ذوق خود شغلی را انتخاب کنند و نباید در جامعه چیزی مانع رشد و نمو افراد باشد. (ملکی، ۱۳۹۵: ۵۶)

نتیجه اینکه افراد باید در جامعه آزادی داشته باشند و بتوانند استعدادهای خود را بروز دهند. با وجود چنین حقی، محدودیت‌ها و موانعی که دولت یا شهرداری در مورد مشاغل مختلف اعمال می‌کنند، از کجا می‌آید؟ چرا باید وقتی که شهروندان از چنین حقی برخوردارند، به امر و نهی‌هایی که در خصوص مشاغل و ساماندهی آنها می‌شود گوش دهند؟ دلیل آن بسیار ساده است چرا که اطاعت از چنین باید و نبایدهایی، نتیجه قرارداد نانوشته‌ای است که شهروندان با دولت بسته‌اند؛ ما از برخی حقوق خود صرف نظر می‌کنیم تا بتوانیم از مزایای کنار هم زندگی کردن استفاده کنیم.

۳-۱-۲- حق داشتن مسکن

در کنار این، قوانین عادی مختلفی هم در راستای تحقق و تضمین حق بر مسکن، وضع شده است. جدیدترین^۱ آن‌ها قانون سامان دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن است که در ماده یکم خود مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین مسکن و سهولت دسترسی فاقدین مسکن، به ویژه گروه‌های کم درآمد، به خانه مناسب، ارتقای کیفی و کمی مسکن تولیدی کشور، حمایت از سرمایه‌گذاری در امر تولید مسکن، با استفاده از فناوری‌های نوین و تولید صنعتی مسکن، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی و مقاوم سازی واحدهای مسکونی موجود؛ دولت، موظف است از طریق حمایت‌های لازم، از قبیل تأمین زمین مناسب، و کاهش یا حذف بهای زمین، از قیمت تمام شده مسکن، تأمین تسهیلات بانکی ارزان قیمت، اعمال معافیت‌های مالیاتی و تأمین سایر نهاده‌های مورد نیاز بخش مسکن در چارچوب مفاد این قانون، تدوین نظامات و مقررات ملی و ساخت و ساز و اعمال نظارت بر تحقق آن‌ها و افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری در بخش تولید و عرضه مسکن با هدف تأمین مسکن، برای فاقدین مسکن (جهت هر خانوار یک بار) با رعایت مقررات ملی ساختمان، و الگوی مصرف مسکن، و اصول شهرسازی و معماری اقدام نماید.»

مطالب یاد شده نشان می‌دهد نظام حقوقی- سیاسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه قانون اساسی آن، برخلاف برخی از کشورهای پیش‌رفته، مسأله مسکن را به صورت بسیار جدی و راهبردی مورد توجه قرار داده است. اسناد فرادستی و قوانین عادی نیز، جملگی، در خدمت تضمین حق بر مسکن هستند. پس، این نکته مسجل است که نظام حقوقی حاکم، کم و بیش، موانع قانونی را برای مسکن دار شدن ایرانیان از میان برداشته است. اما با این وصف، هنوز بسیاری از شهروندان ایرانی امکان برخوردار شدن از مسکن شایسته و

^۱ این قانون، در جلسه علنی روز چهارشنبه، مورخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

حداقلی را هم ندارند. شاید، بتوان ریشه این معضل را فراحقوقی دانست و آن را به مسأله ای به نام مدیریت نامناسب مسکن گره زد.^۱

گرچه، سیاست انبوه سازی مسکن و دیگر سیاست های دولت، در این زمینه توانست بخشی از مشکلات را حل کند، اما هنوز غول مسکن از پا نیفتاده است. شاید لازم باشد؛ برنامه هی دیگری به خصوص برای تأمین مسکن اجتماعی، و مسکن هایی با اجاره بهای پایین، توسط خود دولت، و بخش خصوصی و عمومی، تدوین و اجراء شود. (زراعت، ۱۳۹۴: ۱۹)

در نهایت باید اذعان داشت اگر مسکن دار شدن همه ایرانیان کمی آرمان گرایانه به نظر می رسد، دست کم دفاع شایسته از حقوق مستأجران و پیشگیری از افزایش قیمت ها و تحقق امنیت اجاره می تواند از بار مشکلات بکاهد تا حدی، و به قول مولانا، مانع از ساختن خانه ای روی آب برای تهی دستان باشد. پیشنهاد می شود، نظام وضع عوارض بر املاک مسکونی خالی از سکنه و قابل اجاره، جدی گرفته شود. بدیهی است، در این راستا، وجود نظام آمارگیری و پایش دقیق ضروری خواهد بود.

نتیجه گیری:

در زمینه حقوق پیش بینی شده در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و هم چنین در حقوق موضوعه ایران با تاکید بر فقه باید گفت که غالباً حقوق پیش بینی شده از جمله حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اجرا می شود و در موارد عدم اجرا نیز ضمانت اجرای قانونی وجود دارد و با متخلفین برخورد قانونی می شود. در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی به بررسی حقوق مختلف یک شخص پرداخته شده است از جمله مهم ترین حقوق افراد در این کنوانسیون می توان به حقوق فردی و اجتماعی اشاره نمود همان طور که در این مقاله بدان اشاره گردید حقوق اجتماعی مثل حق اشتغال، حق مسکن می تواند به عنوان حقوق اولیه یک شخص به شمار آید در حقوق ایران با استناد به اصل چهارم قانون اساسی که ریشه فقهی بودن قوانین را اشاره دارد هم در قوانین عادی و هم در قانون اساسی به این حقوق اشاره گردیده است. در انتها باید گفت در این راستا خوشبختانه قوانینی هم سو با کنوانسیون با رعایت اصل چهارم قانون اساسی وضع و تصویب شده است.

^۱ پرسش این است که در کشوری چون فرانسه که مساحت آن، یک سوم ایران است؛ اما جمعیت آن، حدوداً با جمعیت ایران، برابری می کند و کشور مهاجرپذیرتری هم هست، چگونه بر این مشکل غلبه کرده اند؟

الف: کتاب

- ۱) زراعت، عباس، آئین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، چاپ اول، تهران، نشر دانش‌پذیر. ۱۳۹۴
 - ۲) گرجی، محمد حسین، داسرا و تحقیقات مقدماتی، نظر دادیار، اصفهان، ۱۳۹۲
 - ۳) مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۷
 - ۴) هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان. ۱۳۸۴
- ب: مقالات
- ۵) فلاح زاده، علی محمد، نسبت حقوق بشر و شهروندی، نشریه مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۸، ۱۳۹۶
- ج- پایان نامه و تقریرات
- ۶) شیروانی، رضا، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۸۸
 - ۷) غمامی، سیدمحمد مهدی، نظم عمومی و الزامات ناشی از حقوق بشر و حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۶
 - ۸) کرمانی، محمد رضا، پایان نامه حقوق شهروندی در ایران، دانشگاه آزاد قزوین، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۴
 - ۹) محمد پور، حسن، پایان نامه اصول حاکم بر حقوق شهروندی، دانشگاه آزاد قم، ۱۳۸۴
 - ۱۰) ملکی، رضا، اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکز. ۱۳۹۵